



ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال دوم | ویژه نامه ۵۲۰ |



تکته‌ها/ آیت الله مصباح یزدی

حاج قاسم

الگوی استفاده صحیح

از سرمایه عمر

۲

با حمیدرضا میرر کنی درباره کتاب تازه منتشر شده «یاد استاد»

طی طریق

با مربی ممکن می‌شود

۲

سازمان دارالقرآن الکریم برگزار می کند

پویش قرآنی

به یاد سردار سلیمانی

۴

چند خط برای «جان فدا»

دست بریده‌ای

که موضوع نقاشی‌ها شده بود

۲

خبر

همایش

«مخطوطات مشرق زمین»



مدیر نمایندگی سازمان علمی فرهنگی آستان قدس رضوی در قم گفت: ما آمادگی داریم در تعامل میان محققان و مصححان با آستان قدس رضوی به تسهیل فرایندها بپردازیم. حجت‌الاسلام علی راد در هفتمین پیش‌نشست همایش بین‌المللی «مخطوطات مشرق زمین» که از سوی نمایندگی دفتر سازمان علمی فرهنگی آستان قدس رضوی در قم برگزار شد، گفت: متأسفانه رویکردهایی که ما گاهی در تصحیح متون می‌بینیم غیرواقع‌بینانه و توأم با اجحاف و بی‌انصافی است. وی افزود: یک رویکرد آن را تنزل داده و در حد یک فن و فقط شبیه ویراستاری متن می‌بیند که این نگاه بسیار رنج‌آور است. نگاه دوم رویکرد دانشی به تصحیح متون است. این رویکرد در بین نخبگان تراث دینی کاملاً شناخته شده ولی هنوز به گفتمانی غالب و فراگیر تبدیل نشده است. رویکرد سوم، رویکرد پژوهش بینارشته‌ای است، در واقع تصحیح متون در برخی حوزه‌ها از مرز یک دانش و قلمرو عبور می‌کند که گاهی نیازمند تخصص و تبحر پژوهشگر در قلمروهای دانشی مختلف مانند تاریخ، ادبیات و... است. همچنین سیدمحسن ناجی نصرآبادی، کارشناس نسخ خطی آستان قدس رضوی در ادامه این نشست با بیان اینکه ما علم و شناخت کافی در مورد علم تصحیح متون نداریم، گفت: برخی افراد و مراکز وارد این علم شده‌اند اما متأسفانه تسلط لازم را ندارند.



نمایشگاه

«کتاب فاطمی»



محمدحسین نیکبخت|

نمی‌توان درباره تاریخ «تقریب مذاهب اسلامی» صحبت کرد و درباره یکی از ستون‌های استوار آن، یعنی علامه سیدعبدالحسین شرف‌الدین که امروز سالروز رحلت اوست، سخنی به میان نیاورد؛ علامه یکی از پیشگامان این تفکر در جهان اسلام بود. او نه فقط به تقریب مذاهب و وحدت اسلامی به عنوان یک اصل راهبردی در مسیر تحقق استقلال و عزت مسلمانان می‌نگریست و از آن حمایت می‌کرد، بلکه عملاً وارد این عرصه پرفراز و نشیب شد و به ارائه راهکارهای مؤثر پرداخت. علامه شرف‌الدین مانند دیگر بزرگان تقریب، به دنبال یکدست کردن مذهب مسلمانان و نادیده انگاشتن اعتقادات شیعه نبود؛ اما این اختلافات را مانع از وحدت در برابر دشمن مشترک نمی‌دانست. او را باید یکی از بنیان‌گذاران ادبیات تقریب بدانیم؛ علامه شرف‌الدین از کسانی بود که با تمسک به بیان عالمانه، نگاه توأم با مدارا و دوستی و رعایت تمام و کمال ادب و احترام، مسائل مورد اختلاف میان شیعه و دیگر مذاهب اسلامی را تشریح کرد و به اثبات مدعای مکتب اهل بیت(ع) با ویژگی‌هایی که برشمردیم و البته با استناد به آثار روایی و اعتقادی اهل سنت پرداخت. این رویکرد در میان علمای منصف جهان اسلام با استقبال فراوانی روبه‌رو شد و زمینه گفت‌وگوهای بسیار مفیدی را میان آن‌ها فراهم کرد. این الگو بعدها توسط دیگر بزرگان جهان تشیع نیز مورد استفاده قرار گرفت و علمایی همچون علامه شیخ عبدالحسین امینی و علامه سیدمرتضی عسکری با عنایت به همین الگو، آثاری گرانقدر همچون «الغدیر» را پدید آوردند و راه را برای گفت‌وگوی اصولی و به دور از تنش با علمای دیگر مذاهب اسلامی باز کردند.

■ **طرحی از زندگی یک عالم «تقریبی»**

علامه سیدعبدالحسین شرف‌الدین در سال ۱۲۵۲شمسی در کاظمین به دنیا آمد و در ۶سالگی همراه با پدرش، سیدیوسف شرف‌الدین به نجف اشرف هجرت کرد و تا ۸سالگی، مقدمات مکتبخانه‌ای را در این شهر گذراند. خانواده شرف‌الدین هنگامی که سید عبدالحسین ۸ساله

بود، به سرزمین اجدادی‌شان، جبل عامل لبنان بازگشتند و به این ترتیب، حضور تاریخی علامه در این خطه پرحادثه که در آن زمان بخش امپراتوری در حال اضمحلال عثمانی بود، آغاز شد. وی در ۲۰سالگی برای ادامه تحصیل راهی نجف شد و در ۳۲سالگی به درجه اجتهاد رسید و دوباره به لبنان بازگشت؛ ابتدا در «شحور» مستقر بود و بعدها به «صور» رفت و دست به تأسیس مراکز فرهنگی و اجتماعی متعددی برای سامان دادن به امور شیعیان زد؛ مراکزی مانند «حسینیه صور» و «مؤسسه خیریه صور» که بعدها توسط امام موسی صدر توسعه داده و منشأ خدمات بسیاری شد. علامه شرف‌الدین همزمان با فعالیت‌های دینی و اجتماعی از امور سیاسی غافل نبود. پس از اشغال لبنان توسط فرانسوی‌ها طی جنگ جهانی اول، او

اختناق حاکم در دوره رضاخانی، توانست با علمای قم و مشهد ارتباطات خوبی برقرار کند. علامه در اواخر عمر، به نگارش کتاب بسیار مشهور «النص والاجتهاد» دست زد. وی در هشتم جمادی‌الثانی سال ۱۳۷۷ (دی‌ماه ۱۳۳۶) دار فانی را وداع گفت. پیکر علامه سیدعبدالحسین شرف‌الدین را به نجف انتقال دادند و در حرم امیرمؤمنان(ع) به خاک سپردند. او هنگام رحلت، ۸۴ ساله بود.

■ **الگوی گفتمان عالمانه**

کتاب «النص و الاجتهاد» را باید مشهورترین اثر علامه شرف‌الدین بدانیم؛ کتابی که در اواخر عمر وی به رشته تحریر درآمد و یکی از الگوهای بسیار جذاب در راستای دفاع از مرزهای عقیدتی شیعیان است. وی در این کتاب، طی هشت فصل، مبانی سیاسی تفکر شیعه را مورد بررسی قرار



داد و اختلافاتی را که در این زمینه میان مذاهب گوناگون وجود دارد، بررسی کرد. نکته حائز اهمیت آن است که علامه در بیان مباحث مورد نظرش، هیچ گاه و در هیچ شرایطی از دایره ادب و احترام نسبت به مقدسات دیگر مذاهب اسلامی بیرون نرفت. به همین دلیل، آثار وی در میان طیف وسیعی از پیروان دیگر مذاهب اسلامی هم طرفداران زیادی یافت و عملاً اسباب طرح مباحث علمی و کلامی بیشتر را فراهم کرد. این رویکردها، در دوره‌های بعد، با اهتمام و تلاش دیگر علمای تقریبی، نتایج و ثمرات بسیار بابرکتی در پی داشت.

مبارزات گسترده‌ای را علیه اشغالگران ترتیب داد و بارها تحت تعقیب قرار گرفت. در همین زمان بود که تلاش برای تقریب مذاهب اسلامی را با هدف بیرون راندن استعمارگران از قلمرو مسلمانین آغاز کرد؛ در ۱۲۹۹شمسی به مصر رفت و درباره این مسئله، مذاکرات مفیدی با علمای الازهر انجام داد. در ۱۳۰۱شمسی راهی حج شد و در مکه، چنان نظر حکومت و علمای وقت را – که وهابی نبودند – جلب کرد که اقامه نماز در مسجدالحرام را در مدتی که علامه در مکه حضور داشت، به وی واگذار کردند. او در ادامه سفرهای تقریبی‌اش در دهه ۱۳۱۰شمسی به ایران نیز سفر کرد و با وجود

به موضوع عفاف و حجاب و جایگاه آن

در جامعه اشاره می‌شود.



این نمایشگاه عنوان کرد و افزود: در مدت برپایی این نمایشگاه‌های کتاب تا ۲۳دی ماه و روز زن تمامی کتاب‌ها با تخفیف ۱۵ درصد عرضه می‌شود.

وی با اشاره به ارائه آثاری در حوزه عفاف و حجاب و زن و خانواده در این نمایشگاه‌ها گفت: در تمامی این آثار تلاش شده است، سیره حضرت فاطمه زهرا(س)، زیست و زندگی زنان قهرمان به عنوان شخصیت‌های قهرمان و الگو به گونه‌ای جذاب و مخاطب‌پسند به مخاطبان ارائه شود که در این آثار نیز



گفت‌وگو با طراح و ایده‌پرداز نمایش آیینی «رد پا»

روایت انتخاب‌های درست و غلط

۴

نیمکت‌زندگی

دیدنی که چگونه گور بهرام گرفت



رقیه توسلی| قُلچماق بود. خیلی قلچماق. توی لاتی و قمه‌کشی و بی‌صراطی، رودست نداشت. اسمش توی لیست سیاه بود. نصف عمرش توی حبس گذشت و مابقی صرف بدبخت کردن بچه‌های مردم. کارش این بود که یا مخدر بدهد دست مشتری یا تیزی بکشد روی خلق‌الله و خفتشان کند. سر به راه نبود و هر شری از دستش برمی‌آمد آوار می‌کرد روی سر محل. اصلاً خانه در قمرز سر پیچشان معروف بود. خانه بهرام مواد، میخکوب تراکتی شده‌ام که چسبانده‌اند به دیوار یقالی. باورم نمی‌شود. چند بار تکه کاغذ را تماشا می‌کنم. عکس او رویش خورده. عکس «بهرام چغر». با همان ابرو و چانه زخمی. همان اخم نگاه. شبیه گذشته‌ها با دیدنش هنوز خوف می‌کنم. از آدم به ظاهر مُرده‌ای که کسی دل خوشی از او ندارد اینجا. بی‌آنکه بخواهم چند خاطره تلخ ردیف می‌شود توی ذهنم. خاطرات بد. سرم داغ می‌شود. منتظرم همسایه‌ها، کنجکاو شوند بیایند پای دیوار. چند نفری می‌آیند. بعد فهمیدن ماجرا، همه حالی دارند شبیه حال من؛ ساکت و بی‌آه و فکری. نمی‌شنوم کسی ابراز تأسف کند یا بگوید پشت دستش که «وای حیف این جوان!» یا «ای داد بیداد» یا «خدا رحمتش کند». نمی‌بینم از هم درباره نحوه مرگش سؤالی بپرسند. یا دلشان بسوزد برای او که چهل سالش هم پُر نشده. هیچی. همه صکم بکم ایستاده‌ایم پای خبرش. به گمانم همه با هم یاد بدترین خاطره‌ای می‌افتیم که از بهرام چغر داریم. یاد آن بعدازظهر وحشتناک. که سر بدمستی، پدرش آقاجیحی خیاط و دو برادر کوچکش را از خانه انداخت بیرون و ویلان سیلان کوچه‌ها کرد. همان روز که همسایه‌ها، همسایگی کردند برای این پندگاه است.

زیرچشمی به اعلامیه نگاه می‌کنم. به عکس متوفی. هاجرخانم و کبری‌خانم دارند از قدیم‌ها حرف می‌زنند. از آن وقت‌ها که پدر و پسر هنوز زنده بودند. از آقاجیحی که در جواب دلسوزی بقیه همیشه می‌گفت: اولاد ناخلف، استخوان گلوست. شما ببخشید. من پدرم. صبر ایوب دارم. خدا بزرگ است.

نمی‌دانم. نمی‌دانم چه بگویم. زبانم به جمله‌ای نمی‌چرخد. فقط احساس می‌کنم کسی هر چند دقیقه یک بار توی سرم فریاد می‌کشد: بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر....

پی‌نوشت:

امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید:

با مردم آن گونه معاشرت کنید که اگر مُردید بر شما اشک بریزند....